

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۵/۱، بهار ۱۳۹۷

تحلیل اعتقادورزی و تواتر حدیثی مهدویت در اهل سنت

حسین الهی نژاد^۱

سید حسن سیادت^۲

چکیده

نوشتار حاضر به بحث مهم جایگاه مهدویت در میان اهل سنت می پردازد این جایگاه با دو مؤلفه اساسی یعنی «اعتقادی بودن مهدویت» و «متواتر بودن احادیث مهدویت» نشانه گذاری می شود. تواتر حدیثی مهدویت که بعضا با تعابیر هم سو نظیر استفاضه روائی، شهرت روائی، کثرت روائی همراهی می شود با استنادورزی به منابع مختلف حدیثی نظیر صحاح، سنن، مصنفات، جوامع و اطراف، توجیه شده و با استنادورزی به اقوال بسیاری از علماء و اندیشمندان اهل سنت نظیر آبری، سفارینی، کتانی، شوکانی، برزنجی، قنوجی، صبان و... تثبیت می شود. اعتقادی بودن مهدویت که از آن به ایمانی بودن مهدویت تعبیر می شود مورد پذیرش و اذعان همه اهل سنت و غالب علمای شان قرار گرفته است. توجیه اعتقادی و ایمانی بودن مهدویت از منظر اهل سنت به دلایل ذیل باز می گردد. ۱. انکار مهدویت، انکار رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ است؛ ۲. تصدیق اخبار غیبی پیامبر اسلام ﷺ از جمله اخبار مهدویت واجب است؛ ۳. اعتقاد به اشراط الساعة از جمله ظهور امام مهدی ﷺ واجب است.

واژگان کلیدی

مهدویت، اهل سنت، احادیث مهدویت، اعتقاد به مهدویت، تواتر حدیثی مهدویت، مخالفین مهدویت.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (hosainelahi1212@gmail.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه امامت قم.

مقدمه

مهدویت در میان اهل سنت دارای جایگاه مهم و تأثیرگذاری است غالب علمای اهل سنت با نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف به این اهتمام ورزی و تأثیرگذاری اذعان داشته و همه باورمندان اهل سنت در گروه‌های مختلف، مهدویت را به عنوان یک باور فراگیر و اصیل تلقی به قبول نموده‌اند. بی شک آموزه مهدویت با وصف اصیل بودن در صدر تعالیم اسلامی قرار داشته و در کنار آموزه‌های مهمی چون معاد، نبوت، امامت جای گرفته است و با وصف تواتر، اسلامیت و واقعیت نمائی آن بر ملا می‌شود و با وصف اعتقادی، ضرورت و حقیقت نمائی آن توجیه می‌شود و با وصف اجماعی، کلیت و مقبولیت فراگیری آن تثبیت می‌شود که در این مقال با نگرش تبیینی و تحلیلی به برخی از این مؤلفه‌ها نظیر متواتر بودن و اعتقادی بودن مهدویت در اهل سنت از منظر علمای اهل سنت پرداخته و با نگرش تحلیلی به تشریح و چرایی آن مبادرت می‌شود.

الف) تواتر حدیثی مهدویت

احادیث مهدویت در میان اهل سنت جایگاه مهم و خطیری داشته و مورد توجه و امان نظر عموم مردم و خواص اهل سنت می‌باشد این احادیث از نظر دامنۀ نقلی پرگستره بوده و در منابع مختلف حدیثی نظیر صحاح، سنن، مسانید، مصنفات، جوامع و اطراف نقل شده و به دو شکل «حدیث» و «اثر» خودنمائی می‌کند. گستردگی دامنۀ احادیث مهدویت به حدی است که بسیاری از علمای اهل سنت نسبت به قلمروه آنها واژه «کثرت»، «مستفیض» و «تواتر» را بکار برده‌اند. یعنی احادیثی که از رسول گرامی اسلام ﷺ و صحابه در خصوص امام مهدی نقل شده از نظر تعداد، «کثیر» و از نظر شهرت، «مستفیض» و از نظر تعدد طرق، «متواتر» می‌باشند. پس به خاطر جایگاه مهم و تأثیرگذار اندیشه مهدویت، اولاً؛ احادیث مهدویت مزین به سه شاخصه کثرت، استفاضه و تواتر است. ثانیاً؛ شاخصه‌های سه گانه مزبور بیانگر تکثرو گوناگونی طرق، مخارج، صحابه، روات و الفاظ می‌باشد. (غفیلی، ۱۴۲۲: ۸۷) ثالثاً؛ با این شاخصه‌ها صدور احادیث مهدویت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و صحابه حتمیت پیدا خواهد کرد. رابعاً؛ با حتمیت صدور، توجیه احادیث مهدویت و تصحیح آنها قطعی و خدشه ناپذیر خواهد بود. بر این اساس برخی از علمای اهل سنت در حوزه مهدویت مؤلفه‌هایی نظیر «اصل ظهور» و «از اهل بیت پیامبر ﷺ بودن امام مهدی ﷺ» و «از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام بودن امام مهدی ﷺ» را تنصیص می‌دانند. (قرطبی، ۱۴۲۵: ۱۲۰۵)

مباحث اصلی مهدویت محور تواتر

مباحث مهدویت با نگرش تساهلی و تسامحی به دو قسم اصلی و فرعی قابل تقسیم است. مباحث اصلی مهدویت شامل مؤلفه‌های نظیر «اصل ظهور مهدی»، «منجی بودن مهدی»، «اهل بیتی بودن مهدی»، «علوی بودن مهدی»، «فاطمی بودن مهدی» و... می‌باشد و مباحث فرعی مهدویت نظیر «شمائل مهدی»، «مدت حیات مهدی»، «مدت حکومت مهدی»، «اوصاف شخصی مهدی»، «ازدواج مهدی»، «فرزندان مهدی» و... است. بی‌شک این که ادعا می‌شود مهدویت مورد اجماع و اتفاق همه مسلمانان بوده و احادیث آن مستفیض بلکه متواتر می‌باشد کدام قسم از اقسام مباحث مهدویت را شامل می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش محمد ناصرالدین البانی می‌نویسد: به طور کلی طرح بحث اجماع و تواتر در مهدویت در قسم اول یعنی پیرامون مباحث اصلی مهدویت اجرائی و عملیاتی می‌شود یعنی اجماع مسلمانان بر این است که فردی به نام مهدی که از نسل پیامبر و با نسب فاطمی و علوی است ظهور کرده و جهان را به سوی خیر و سعادت به پیش می‌برد و نیز احادیث وارده پیرامون مهدویت به تواتر معنوی، قطعیت این امور را تأیید کرده و صدور آن را از معصوم مسجل می‌نمایند. اما در مورد فروعات مهدویت، سخنی غیر از گفته می‌شود زیرا پیرامون فروعات مهدویت نه اجماعی در میان است و نه تواتری (البانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۹) و نکته پایانی در این جا این که؛ فروعات مهدویت به جهت متواتر و اجماعی نبودن همیشه در معرض نقد و مناقشه، و همیشه مورد بحث و گفت‌وگو می‌باشد. البته این نقد و مناقشه هیچ تأثیر منفی بر اصول مهدویت نداشته و ندارد. زیرا اصول مهدویت با وصف تواتر و اجماع دارای مصونیت و قطعیت بوده و از نقد و مناقشه به طور کلی مبرا می‌باشد.

تواتر حدیثی مهدویت از منظر علمای اهل سنت

بی‌شک موافقین مهدویت در توجیه صحت احادیث مهدویت و قطعیت صدور آنها از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و صحابه به صورت یکسان عمل نکرده بلکه شیوه‌ای گوناگونی را در این خصوص در پیش گرفته‌اند مثلاً برخی‌ها تنها به بیان شهرت احادیث مهدویت و مستفیض بودن آنها پرداخته‌اند و بعضی‌ها به کثرت احادیث مهدویت و فراگیری آنها نظر داده‌اند و برخی دیگر به تواتر احادیث مهدویت (یعنی تواتر معنوی) رأی داده‌اند و برخی افراد به هر سه مؤلفه یعنی کثرت، مستفیض و متواتر بودن روایات مهدویت به صورت مجموعی پرداخته‌اند که در ذیل به بیان گزارش تفصیلی آنها خواهیم نشست.

تواتر حدیثی

متواتر بودن حدیث به این معنا است که افراد کثیری به نقل یک روایت صحیح بپردازند و این افراد جمع‌شان طوری باشد که عقلاً و عادتاً توافق‌شان بر کذب محال باشد. (سیوطی، ۱۹۹۸: ج ۱، ۸۹؛ سفارینی، ۱۴۰۲: ج ۱، ۱۷؛ ماوردی، بی تا: ج ۱۶، ۱۶۵) تواتر بر سه قسم تواتر اجمالی، تواتر لفظی و تواتر معنوی تقسیم می‌شود (الصرصری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۸؛ نابلسی، ۱۴۲۹: ۳۶) چنان‌که از نام‌گذاری این تقسیم پیدا است تواتر لفظی، یکسانی و هماهنگی در لفظ روایت و تواتر معنوی؛ مطابقت و هماهنگی در محتوای روایت را به دنبال دارد. (سخاوی، ۱۴۲۴: ج ۴، ۱۵؛ طحان، ۱۳۸۹: ۳۸) بی شک همه علماء و حدیث‌شناسان اهل سنت اتفاق نظر دارند که متواترات اعم از تواتر لفظی، معنوی و اجمالی در کارکرد یکسان عمل کرده و هر سه موجب علم یقینی و قطعی به صدور روایت از معصوم می‌شوند. (صالح، ۱۹۹۶: ۱۵۱) که از جمله تواترات معنوی، تواتر احادیث مهدویت است که مورد اذعان و اتفاق غالب علمای اهل سنت می‌باشد.

قائلین و مویدین تواتر حدیثی مهدویت

علمای اهل سنت پیرامون تواتر احادیث مهدویت به دو گروه قائلین و مویدین تقسیم می‌شوند گروه قائلین کسانی هستند که خودشان بیانگر تواتر حدیثی مهدویت بوده و با دلیل و برهان به توجیه آن می‌پردازند به بیان دیگر آنها بانی و مؤسس این نظریه بوده و به طور صریح در مکتوبات‌شان بدان اذعان نموده‌اند. اما گروه مویدین کسانی هستند که تواتر حدیثی مهدویت را از قول دیگران یعنی از قول قائلین نقل کرده و آنها را به صورت تأیید در مکتوبات خویش بیان نموده‌اند.

گروه اول

۱. ابوالحسن محمد بن حسین آبری در کتاب «مناقب الشافعی» (آبری، ۱۴۳۰: ۹۵) ۲.
- محمد کنجی شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» (کنجی شافعی، ۱۴۲۱: ۶۷) ۳.
- محمد برزنجی در کتاب «الاشاعه لاشراط الساعه» (برزنجی، بی تا: ۱۱۲) ۴. محمد سفارینی در کتاب «لوامع الانوار البهیه» (سفارینی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۸۴) ۵. محمد صبان در کتاب «اسعاف الراغبین» (صبان، بی تا: ۱۲۲) ۶. قاضی محمد بن علی شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی فی المنتظر، و الدجال و المسیح» (شوکانی، ۱۴۲۲: ۵۴) ۷. صدیق حسن قنوجی در کتاب «الاذاعه لما کان و ما یکون بین ید الساعه» (قنوجی، ۱۴۲۰: ۱۲۶)

گروه دوم

۱. سخاوی در کتاب «فتح المغیث» به نقل از حسین آبری (سخاوی، ۱۴۲۴: ج ۴، ۹) ۲. محمد کتانی در کتاب «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر» به نقل از سخاوی (کتانی، ۱۳۲۸: ۱۷۴) ۳. ابن حجر هیثمی در کتاب «الصواعق» به نقل از حسین آبری (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۸۰) ۴. جلال الدین سیوطی در کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی» به نقل از ابوالحسن حسین آبری (سیوطی، ۱۳۸۷: ۱۱۴) ۵. قرطبی در کتاب «تذکره» به نقل از ابو الحسن حسین آبری (قرطبی، ۱۴۲۵: ۱۲۰۵) ۶. ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری» به نقل از ابوالحسن حسین آبری (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۶، ۴۹۳)

اما در بیان تفصیل قضیه گفته می‌شود که در کتاب «الاذاعه»^۱ (قنوجی، ۱۴۲۰: ۱۴۵) در رد استبعاد و تضعیف ابن خلدون نسبت به احادیث مهدویت آمده است: بر اساس روایات متواتر، امام مهدی در آخر زمان بدون تعیین سال و ماه ظهور می‌کند. این موضوع مورد اتفاق همه مسلمانان در اعصار مختلف گذشته، حال و آینده بوده و خواهد بود. پس شک و تردید در خصوص موعود فاطمی منتظر که از دل روایات مهدویت برآمده و روایات گوناگونی بر توجیه آن نظر داده‌اند بی‌معنا و بی‌دلیل خواهد بود و مخالفت‌های مخالفین در این خصوص نظیر ابن خلدون در واقع قد علم کردن در برابر نص مستفیض، مشهور و متواتر تلقی شده که این کار جرأت و جسارت زیادی را طلب می‌کند.

در کلام قنوجی بعد از بیان متواتر بودن احادیث مهدویت چند نکته ذکر شده که قابل توجه است. ۱. اتفاق و اجماعی بودن مهدویت در میان همه گروه‌های اسلامی؛ ۲. فراگیر بودن اجماع و اتفاق مسلمانان در مورد مهدویت در گذشته، معاصر و آینده؛ ۳. نص و صریح بودن دلالت روایات مهدویت بر امام مهدی علیه السلام؛ ۴. نفی استبعاد و ردی مخالفین مهدویت از جمله ابن خلدون که به نوعی مخالفت‌شان ایستادگی در برابر نص، مستفیض، مشهور و تواتر است. همو در جای دیگر می‌نویسد:

با توجه به اختلافاتی که در متن احادیث مهدویت وجود دارد اما تعداد آنها به حدی کثیر است که می‌توان در مورد آنها ادعای تواتر معنوی نمود و این احادیث در منابع مختلف حدیثی نظیر سنن، معجم و مسانید و... نقل شده است. (همان: ۱۲۲)

۱. لاشک فی ان المهدی یخرج فی آخر الزمان من غیر تعیین لشهر و عام، لما تواتر من الاخبار فی الباب واتفق علیه جمهور الامه سلفا عن خلف، الا من لایعتد بخلافه، و لیس القول بظهوره بناء علی الاقوال الصوفیه و مکاشفاتهم او اهل التنجیم... و إنکار ذلك جرأة عظيمة في مقابلة النصوص المستفیضة المشهورة البالغة إلى حد التواتر.

در این خصوص تویجری در رد قول ابن محمود در کتاب «لامهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» که ادعا می‌کند نه تنها احادیث مهدویت متواتر نیست بلکه صریح و صحیح نیز نمی‌باشد^۱ (ابن محمود، ۱۴۳۶: ج ۱، ۲۳۸) می‌گوید: آبری در کتاب «مناقب الشافعی» متواتر بودن احادیث مهدویت را مطرح کرده و مورد تأیید علمای بسیاری نظیر أبو عبدالله قرطبی، و أبو حجاج مزی، و ابن القیم، و حافظ ابن حجر عسقلانی، و حافظ سخاوی، و سیوطی، و ابن حجر هیتمی، و سفارینی، و برزنجی، و شوکانی، و صدیق بن حسن و... قرار گرفته است و بعد در ادامه می‌نویسد: آیا باید قول ابن محمود را قبول کرد یا اقوال علمای بسیاری که متخصص این امر هستند؟ بسی روشن است که کثرت اقوال و تخصص آنها موجب می‌شود ما قول آنها را بپذیریم و قول ابن محمود را رد نمائیم. (تویجری، ۱۴۰۳: ۱۲۱)

محمد بن علی صبان در کتاب «اسعاف الراغبین» بعد از آن که روایات گوناگونی را از منابع مختلف حدیثی پیرامون مهدویت نقل کرده و آنها را حمل به صحت می‌کند. می‌نویسد: روایات از پیامبر گرامی اسلام ﷺ پیرامون ظهور امام مهدی به حد تواتر رسیده که ایشان از اهل بیت می‌باشد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند و حضرت عیسی را در قتل دجال مساعدت می‌کند و امامت جوامع را بر عهده داشته و حضرت عیسی او را همراهی می‌کند.^۲ (صبان، بی تا: ۱۲۲) بی شک صبان در این جا ابتدا به متواتر بودن احادیث مهدویت پرداخته و بعد به موارد تواتر می‌پردازد نظیر ظهور امام مهدی ﷺ، نسب و عدل گستری امام مهدی ﷺ و رهبری جوامع و همراهی حضرت عیسی ﷺ با امام مهدی ﷺ.

برزنجی در کتاب «الاشاعه لاشراط الساعه» علاوه بر بیان تواتر به موارد تواتر نیز اشاره نموده است مثلاً می‌نویسد: ظهور امام مهدی ﷺ و نیز از عترت رسول گرامی اسلام ﷺ بودن و از فرزندان حضرت فاطمه ﷺ بودن از جمله موارد تواتر معنوی پیرامون احادیث مهدویت است. و در ادامه اشاره می‌کند که با توجه به متواتر بودن آنها نفی اندیشه مهدویت بی معنا خواهد بود.^۳ (برزنجی، بی تا: ۲۳۶) باز در این خصوص یعنی در بیان متواتر بودن احادیث مهدویت قول کتانی در کتاب «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر» را داریم که ایشان نه تنها به متواتر بودن احادیث مهدویت اذعان دارد به بیان متواتر بودن احادیث دجال و نزول حضرت

۱. مع العلم أن أحادیث المهدي ليست بصحيحة ولا صريحة ولا متواترة.

۲. وقد تواترت الاخبار عن النبي ﷺ بخروجه وانه من اهل بيته وانه يملا الارض عدلا وانه يساعد عيسى على قتل الدجال بباب لد بارض فلسطين وانه يوم هذه الامه.

۳. قد علمت أن أحادیث المهدي وخروجه آخر الزمان وأنه من عتره رسول الله ﷺ من ولد فاطمة ﷺ بلغت حد التواتر المعنوي فلا معنى لإنكارها.

عیسی علیه السلام نیز پرداخته است.^۱ (کتانی، ۱۳۲۸: ۱۷۴) بی‌شک در این خصوص علاوه بر موارد فوق اقوال دیگر علمای اهل سنت نیز بر همین روال جاری شده و به نحوی اذعان و تأکید به این مسئله داشته و اذعان می‌کنند که احادیث مهدویت بدون هیچ تردیدی دارای شاخصه تواتر می‌باشد. (گنجی شافعی، ۱۴۲۱: ۶۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۶، ۴۹۳)

در آخر نتیجه بحث را با سخنان شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر والدجال والمسیح» (شوکانی، ۱۴۲۱: ۷۶) به پایان می‌بریم که ایشان ابتدا در این کتاب به شمارش احادیث مهدویت پرداخته و آنها را به تعداد ۵۰ روایت تخمین زده است که این روایات متشکل از روایات صحیح، حسن و ضعیف منجر می‌باشند بعد ادامه می‌دهد که آنها بدون هیچ شک و شبهه‌ای متواتر هستند زیرا در حوزه‌های دیگر به کمتر از آنها نیز وصف تواتر اطلاق شده است.^۲ پس بنابر این متواتر بودن احادیث مهدویت اعم از این که مستقیماً از ناحیه علمای اهل سنت بیان شده باشد و یا به صورت تأییدی و به بیان دیگر به صورت تأسیسی مطرح گردیده باشد و یا به صورت امضائی، به هر صورت که باشد این نگرش، نگرش فراگیر و فرهنگ غالب اهل سنت و علماء و اندیشمندان آنها می‌باشد و همه گروه‌های اسلامی بالاخص دو گروه عمده اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه نسبت به این موضوع یعنی متواتر بودن احادیث مهدویت اتفاق نظر دارند.

استفاضه حدیثی

چنان‌که بیان شد احادیث مهدویت در منابع حدیثی اهل سنت دارای جایگاه مهم و قابل توجه‌ای هستند. بخاطر همین جایگاه است که در اقوال علمای اهل سنت و کتاب‌های مهدویت در اهل سنت بیشتر با وصف کثرت، استفاضه و تواتر همراه می‌باشند. چنان‌که بیانش گذشت برخی علما به طور صریح به متواتر بودن روایات مهدویت نظر داده‌اند و برخی دیگر ابتدا به استفاضه و شهرت حدیثی اشاره کرده و بعد به متواتر بودن احادیث مهدویت پرداخته‌اند.

چیستی استفاضه حدیثی

حدیث مستفیض، به حدیثی گفته می‌شود که روایان آن پیش از سه نفر و کمتر از حد تواتر باشد. (دهلوی، ۱۴۲۶: ۸۱؛ الطائنی المکی، بی‌تا: ۷۶) و از همین جا تفاوت حدیث مستفیض با

۱. أن الأحادیث الواردة فی المهدی المنتظر متواترة، وكذا الواردة فی الدجال فی نزول عیسی ابن مریم.

۲. والأحادیث الواردة فی المهدی التي أمكن الوقوف علیها منها خمسون حدیثاً فیها الصحیح والحسن والضعیف المنجبر وهي متواترة بلا شك ولا شبهة بل یصدق وصف المتواتر علی ما هو دونها فی جمیع الاصطلاحات المحررة فی الأصول.

حدیث متواتر نمایان می‌شود زیرا در تواتر تعداد روایان ملاک نیست ولی در مستفیض ملاک است ثانیاً در تواتر عدم تواطؤ بر کذب قطعی است ولی در مستفیض قطعی نیست. ثالثاً؛ در تواتر برای شنوند علمی قطعی حاصل می‌شود ولی در استفاضه علم اطمینانی به دست می‌آید. (حوی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۴۹۱) و از حدیث مستفیض بعضاً به حدیث مشهور نیز تعبیر می‌کنند و برخی‌ها حدیث مستفیض را همان حدیث مشهور می‌دانند (آل جعفر، ۱۹۷۹: ۵۱؛ خزیم، ۱۴۲۹: ۹۴) ولی نگرش درست این است که میان حدیث مستفیض و حدیث مشهور نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است (ابوناجی، ۲۰۰۲: ۱۰۶) زیرا هر حدیث مستفیض حدیث مشهور است ولی هر حدیث مشهور، حدیث مستفیض نیستند زیرا در برخی از طبقات احادیث مشهور روایان شان به تعداد سه نفر نمی‌رسند پس این نوع روایات حدیث مشهور هستند ولی حدیث مستفیض نامیده نمی‌شوند.

علمای اهل سنت و استفاضه حدیثی

در خصوص کثرت روایات مهدویت و مستفیض بودن آنها دیدگاه‌های مختلفی از ناحیه علمای اهل سنت بیان گردیده که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود مثلاً ابوالحسن آبری در کتاب «مناقب الشافعی» علاوه بر بیان تواتر حدیثی به مستفیض بودن آنها نیز نظر داده و به مواردی از مسائل مستفیض و متواتر در مهدویت اشاره کرده است^۱ (آبری، ۱۴۳۰: ۹۵) نظیر «از اهل بیت پیامبر ﷺ بودن امام مهدی ﷺ»، «هفت سال حکومت کردن»، «عدالت گستری در همه زمین»، «خروج حضرت عیسی ﷺ در زمان حضرت مهدی ﷺ»، «مساعدت حضرت عیسی ﷺ، حضرت مهدی ﷺ را در کشتن دجال» و «نماز خواندن حضرت عیسی ﷺ به امامت حضرت مهدی ﷺ» البته برخی از این مسائل نظیر «هفت سال حکومت کردن» گرچه روایاتی در منابع اهل سنت و شیعه آمده است که به نوعی این مدت را تأیید می‌کنند ولی روایات دیگری نیز نقل شده که مدت حکومت امام زمان ﷺ را سی و چهل سال دانسته‌اند. (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۵۱۹) و برخی بیست سال دانسته‌اند (مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۳۰۵) و برخی دیگر سه سال، پنج سال، هفت سال و نه سال دانسته‌اند. (قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۳۰۶)، و برخی از روایات نیز مدت حکومت را شش سال، هشت سال و نه سال تعریف کرده‌اند (المروزی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۷۶) پس با توجه به اختلافاتی که در میان احادیث مهدویت نسبت به مدت حکومت

۱. قد تواترت الأخبار واستفاضت [بکثرة رواياتها عن المصطفى ﷺ - یعنی] في المهدي - وأنه من أهل بيت النبي ﷺ، وأنه يملك سبع سنين، ويملا الأرض عدلاً وأنه يخرج مع عيسى بن مريم ﷺ، ويساعده في قتل الدجال بباب لد بأرض فلسطين، وأنه يؤم هذه الأمة، و عيسى ﷺ يصلي خلفه.

امام زمان علیه السلام وجود دارد و با عنایت به صحیح بودن برخی روایات از منظر علمای اسلامی، پس نمی‌توان روایت «هفت سال حکومت» را روایتی مستفیض و متواتر دانست.

ابن حجر هیثمی در خصوص رد روایاتی که مهدی را از نسل عباس می‌داند می‌گوید: سند روایات مزبور ضعیف است زیرا در برابر آن روایات صحیح کثیری داریم که مهدی از نسل فاطمه است. (هیثمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۷۹) سفارینی در بیان جایگاه احادیث مهدویت ابتدا به کثرت آنها اشاره دارد و بعد به فزونی این کثرت که به حد تواتر رسیده و بعد به اشاعه این اندیشه که جزء باورهای فراگیر اهل سنت گردیده است.^۱ (سفارینی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۸۴) کتاب «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» نیز در راستای تأیید دیدگاه سفارینی، کثرت و استفاضه حدیثی را نقل کرده و مورد تأیید قرار داده است. (کتانی، ۱۳۲۸: ۳۳۲)

در پایان با عنایت به فراوانی روایات مهدویت در میان اهل سنت و با توجه به کثرت منابع نقلی و بعضاً تحلیلی در خصوص مهدویت و از طرف دیگر با عنایت به ادعای غالب و فراگیر علمای اهل سنت در خصوص مستفیض و متواتر بودن احادیث مهدویت، همگی نشان از این دارد که جایگاه مهدویت در میان اهل سنت جایگاه مهم و خطیری است.

ب) اعتقادی بودن باورداشت مهدویت

در راستای توجیه اهتمام‌ورزی اهل سنت به مسئله مهدویت، بحث اعتقادی بودن باورداشت مهدویت مطرح می‌شود. جایگاه اندیشه مهدویت در میان اهل سنت جایگاه والایی بوده به طوری که علما و اندیشمندان اهل سنت نسبت به احادیث مهدویت موضع بسیار مناسبی اتخاذ کرده‌اند. از این رو آنها علاوه بر صحیح دانستن احادیث مهدویت به شهرت و مستفیض بودن آنها نظر داده‌اند و باز از شهرت و مستفیض بودن احادیث مهدویت پا را فراتر نهاده و به متواتر بودن آنها نظر داده‌اند و باز در فرایند و سیر متعالی گامی به جلو برداشته و از تواتر حدیثی نیز عبور نموده و مهدویت را به عنوان یک موضوع اعتقادی مطرح کرده‌اند که بر همین اساس یعنی به جهت جایگاه مهم مهدویت که جایگاه اعتقادی است نسبت به منکرین و مخالفین مهدویت حکم کفر، فساد و گمراه بودن داده‌اند. بی‌شک اعتقادورزی اهل سنت نسبت به مهدویت که با التزام قولی و عملی آنها همراه است بیشتر در راستا سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که می‌فرماید: «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۱۳۰) و «مَنْ كَذَّبَ بِالذَّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ كَذَّبَ

۱. وَقَدْ كَثُرَتْ بِخُرُوجِهِ الرِّوَايَاتُ حَتَّى بَلَغَتْ حَدَّ التَّوَاتُرِ الْمَعْنَوِيِّ وَشَاعَ ذَلِكَ بَيْنَ عُلَمَاءِ السُّنَّةِ حَتَّى عُذِّ مِنْ مُعْتَقَدَاتِهِمْ.

بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ» (سفارینی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۸۴).

نگرش علماء پیرامون اعتقادی بودن مهدویت و پیامدهای آن

علماء و اندیشمندان اهل سنت پیرامون اعتقادی بودن مهدویت و پیامدهای آن موضع سه گانه ای را در پیش گرفته اند:

۱. اعتقادی بودن مهدویت و کفر منکرین مهدویت؛
۲. اعتقادی بودن مهدویت و عدم کفر منکرین مهدویت؛
۳. اعتقادی بودن مهدویت و کفر منکرین در صورت انکار سنت و عدم کفر در صورت عدم انکار سنت.

پس علمای اهل سنت در خصوص اعتقادی بودن مهدویت سه نگرش ایجابی، سلبی و تفصیلی را مطرح نموده اند که اعتقادی بودن مهدویت وجه المشترك اقوال سه گانه بوده و اختلافاتشان بیشتر به انکار مهدویت باز می گردد که البته همه کفر آمیز بودن انکار مهدویت را قبول ندارند.

۱. نگرش اعتقادی به مهدویت و کفر منکرین مهدویت

برخی از علمای اهل سنت بر این نگرش اذعان دارند که ایمان به ظهور امام مهدی علیه السلام در حیطه ایمان به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و اگر کسی خبرهای غیبی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جمله ظهور امام مهدی علیه السلام را انکار نماید در واقع شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار کرده است که بی شک نتیجه این کار به نوعی به کفر و بی دینی منتهی می شود. مثلاً تویجری در کتاب «احتجاج» بعد از این که ایمان به ظهور امام مهدی علیه السلام را جزء ایمان به رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می داند می نویسد اولاً؛ کسی که خبرهای غیبی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نظیر ظهور امام مهدی علیه السلام را منکر شود پس شهادت او به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تحقق پیدا نکرده است.^۱ (تویجری، ۱۴۰۳: ۲۶) ثانیاً؛ هر خبری که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به آخر زمان می دهد ایمان بدان واجب بوده و در واقع تصدیق قول ایشان می باشد.^۲ (همان: ۱۶۴)

۱. وإذا علم هذا، فالإيمان بخروج المهدي في آخر الزمان داخل في ضمن الإيمان بأن محمداً رسول الله، ومن لم يؤمن بما ثبت عن النبي صلی الله علیه و آله من أنباء الغيب، فلا شك أنه لم يحقق الشهادة بالرسالة.
۲. إن الإيمان بخروج المهدي في آخر الزمان داخل في ضمن الإيمان بأن محمداً رسول الله، فكل ما أخبر النبي صلی الله علیه و آله أنه سيقع في آخر الزمان أو بعد قيام الساعة فإنه يجب الإيمان به؛ تصديقاً لقول النبي صلی الله علیه و آله وإيماناً بخبره.

۲. نگرش اعتقادی بودن مهدویت و عدم کفر منکرین آن

در برابر نگرش اول نگرش دوم مطرح است که در این نگرش اصل اعتقادی بودن مهدویت و وجوب اذعان به آن مورد تأیید و تأکید می‌باشد ولی نسبت به منکرین و مخالفین آن با تسامح برخورد شده و به جای نسبت کفر و بی‌دینی، نسبت ضلالت و یا فساد عقیدتی به آنها داده شده است. در این خصوص عبدالمحسن عباد می‌نویسد: انکار خروج امام مهدی امر عظیمی بوده و منکرین در ضلالت و گمراهی بسر می‌برند. (عباد، بی‌تا: ۴۰) و یا البانی در کتاب «موسوعة» در باب: «حکم من أنکر شیئاً من أشرار الساعة»، ابتدا به بیان روایت پیامبر گرامی اسلام ﷺ در خصوص منکرین ظهور امام مهدی (من انکر بخروج المهدی...) پرداخته و آن را جعلی و باطل می‌داند و بعد در ادامه می‌نویسد؛ اصل اعتقاد به ظهور امام مهدوی واجب است ولی در مورد کفر منکرین تصریحی در روایت صورت نگرفته است.^۱ (البانی، ۱۴۳۱: ج ۹، ۱۹۵)

ج) نگرش تفصیلی

در نگرش سوم که نگرش تفصیلی است. جایگاه مهدویت مهم و اعتقاد به آن واجب تلقی شده است ولی در مورد انکار آن دو نگرش مطرح شده که از یک نظر به کفر و از نظر دیگر به عدم کفر منتهی می‌شود. مثلاً؛ ابن حجر هیثمی در پاسخ به پرسشی که از احکام منکرین امام مهدی ﷺ سوال می‌شود، جواب می‌دهد که اگر این انکار به انکار سنت رسول گرامی اسلام ﷺ منتهی شود کفرش محرز و قطعی بوده و منکرین باید به مثابه کافر مجازات شوند و اگر به انکار سنت منتهی نشود و تنها مخالفت و دشمنی با امامان اهل سنت باشد در این صورت لازم است شدیداً تنبیه و تعزیر شوند.^۲ (الهی قمی، ۱۳۷۸: ۱۷) بی‌شک قسم اول و الزامات آن یعنی منتهی شدن انکار مهدویت به انکار سنت و کفرآمیز بودن آن، در مورد همه فرمایشات رسول گرامی ﷺ و همه آموزه‌های اسلامی قابل تسری است و در این فرض میان فرمایشات پیامبر گرامی اسلام ﷺ اعم از خبرهای گذشته، حال و آینده هیچ تفاوتی نبوده و همه اندیشمندان و علمای اسلامی در این خصوص اتفاق نظر و اجماع دارند.

۱. واعلم أن الإيمان بكل ما ذكر في هذا الحديث من خروج المهدي، ونزول عيسى، وبالقدر خيره وشره، كل ذلك واجب الإيمان به، لثبوته في الكتاب والسنة، ولكن ليس هناك نص في أن "من أنكر ذلك فقد كفر"، ومن أجل هذا أوردت الحديث وبينت وضعه، وهو ظاهر الوضع.

۲. وقد سئل ابن حجر الهيتمي عن منكر المهدي الموعود به فأجاب: أن ذلك إن كان لإنكار السنة رأساً فهو كفر يقضى على قائله بسبب كفرة وردته فيقتل، وإن لم يكن لإنكار السنة وإنما هو محض عناد لأئمة الإسلام فهو يقتضي التعزير البليغ.

مخالفین اعتقادی بودن مهدویت

در خصوص اعتقادی و غیر اعتقادی بودن مهدویت، بحث و گفتگوهای میان علمای اهل سنت صورت گرفته است که برخی موافق اعتقادی بودن مهدویت و برخی عکس قضیه را دنبال نموده‌اند یعنی مخالف اعتقادی بودن آن هستند. البته بیشتر کسانی که اعتقادی بودن مهدویت را زیر سوال می‌برند افرادی هستند که در واقع مخالف اصل مهدویت هستند و یا این که می‌خواهند از طریق نفی اعتقادی بودن مهدویت به نوعی جایگاه اندیشه مهدویت را در اسلام متزلزل کرده تا از این طریق اصل و اساس مهدویت را به مخاطر بیندازند.

دونالدسن مستشرق انگلیسی در کتاب «عقیده الشیعه» آورده است؛ به جهت این که قرآن به مهدویت اشاره نکرده و روایاتی که به مهدویت اشاره کرده‌اند ضعیف و مشکوک هستند پس اندیشه مهدویت جزء باورهای اهل سنت نمی‌باشد. (دونالدسن، ۱۹۳۳: ۲۳۱) گولدزیهر در کتاب «العقیده و الشریعة فی الاسلام» به همین نکته اشاره دارند که مهدویت جز اعتقادات اهل سنت نیست^۱ (گولدزیهر، ۲۰۰۹: ۲۹۰)

در پاسخ به شبهه بالا گفته می‌شود: قرآن کتاب آسمانی مسلمانان به عنوان پایگاه و خاستگاه اصلی آموزه‌های اسلامی شناخته می‌شود. اندیشه مهدویت به عنوان یک آموزه مهم و فراگیر اسلامی، زمانی دارای جایگاه خطیر و تأثیر گذار در میان مسلمانان خواهد بود که ریشه و پایه‌های آن با استنادورزی به قرآن استحکام و تعمیق پیدا نماید. بی تردید در این خصوص علمای اهل سنت و مفسران قرآن با تلاش و کوشش فراوان، با استنادورزی به قرآن، موجبات تحکیم و تعمیق اندیشه مهدویت در میان اهل سنت شده‌اند. بی شک کتاب‌ها و تفاسیر مختلفی که علما و مفسران اهل سنت در این خصوص به رشته تحریر در آورده‌اند همگی تصدیق‌گر این مطلب هستند. فراوانی و کثرت مطالب و گفتگوهای صورت گرفته میان مفسران اهل سنت خود نشان از اهمیت موضوع و اهتمام جدی آنها در این خصوص دارد. مثلاً در میان حجم کتاب‌های تفسیری اهل سنت که تعداد آنها به یکصد و اندی می‌رسد، تقریباً تعداد ۹۰ دوره تفسیری به موضوع مهدویت پرداخته‌اند.^۲ یقیناً با توجه به فراوانی مطالب در این خصوص و کثرت مکتوبات و کتب تفسیری در این راستا، و استنادورزی غالب مفسران به اندیشه مهدویت، به راحتی می‌توان به شبهات فوق پاسخ داده و اسلامی بودن آموزه مهدویت

۱. اما فی الاسلام السنی فان ترقب ظهور المهدی، علی الرغم من استناده الی الوثائق الحدیثیة و المناقشات الکلامیة ولم یصل البتة الی ان یقرر عقیده دینیة.

۲. عبدی چاری، مرتضی و سلیمان، خدامراد، نرم افزار گنجینه مهدویت در قرآن و حدیث.

با سهولت به اثبات رساند. در ذیل به برخی از آیات تفسیرگر مهدویت که مورد استناد مفسران قرار گرفته اشاره می‌شود.

﴿لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده: ۳۳) این (کیفرها) برای آنان خواری در این جهان است و در جهان واپسین عذابی سترگ خواهند داشت. طبری در تفسیر آیه می‌نویسد: أما خزيهم في الدنيا فإنه إذا قام المهدي فتح القسطنطينية و قتلهم فذلك الخزي. (طبری، ۱۴۲۰: ج ۱، ۳۹۹)

﴿وَ إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (زخرف: ۶۱) و [امسح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است)؛ هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است. ابن ابی حاتم در تفسیر این آیه می‌نویسد: هو خروج عیسی بن مریم قبیل یوم القیامة. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۲۸۵) ﴿وَ اِنَّ مِنْ اَهلِ الْكِتَابِ الْاَلْيُوْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۱۵۹) و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگش حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. سیوطی در بیان آیه می‌نویسد: یعنی خروج عیسی بن مریم. (سیوطی، بی تا: ج ۲، ۷۳۳)

طبرانی در تفسیر کبیر خویش در مورد تفسیر آیه فوق روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل کرده است که حضرت می‌فرماید: «و یوشک أن ینزل فیکم حکماً عدلاً، فإذا رأیتموه فاعرفوه، فإنه رجل مربع الخلق إلى الحمرة و البیاض، كأن رأسه یقطر...» (طبرانی، ۱۴۲۱: ج ۳، ۳۲۹) عیسی ﷺ به میان تان می‌آید و با عدل رفتار می‌کند و وقتی که او را دیدید پس او را شناسائی کنید که مردی است به رنگ معتدل، نزدیک به قرمزی و سفیدی است که گویا از سرش آب می‌چکد.

تویجری در کتاب «الاحتجاج» می‌نویسد: هر کسی که به قرآن و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ مراجعه کند به تصدیق ظهور امام مهدی ﷺ پی می‌برد و در واقع انکار این قضیه تنها از ناحیه کسانی که جاهل و غیر منطقی هستند صورت می‌گیرد.^۱ (تویجری، ۱۴۰۳: ۱۲۷) آری به طور کلی آیات قرآن در باب مهدویت با رویکردهای چهارگانه تفسیری، تاویلی، تمثیلی و تطبیقی بازشناسی و بازخوانی می‌شوند و نقل این آیات که از آن به آیات تفسیرگر مهدویت تعبیر می‌شود در منابع حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است مثلاً با نگاه

۱. کل من تمسک بالکتاب والسنة فإنه ینصدق بخروج المهدي؛ لثبوت ذلك عن النبي ﷺ ولا ینکر خروجه إلا جاهل أو مکابر.

آماري، مهدويت در تفاسير اهل سنت را چنين مي توان بيان كرد: مجموع كتب تفسيرى اهل سنت تقريباً ۷۰ درصد آنها به موضوع مهدويت پرداخته اند و از اين ۷۰ درصد، ۷۵ درصد با نگاه صرفاً نقلی دنبال شده يعنى در ذيل آيه مورد نظر تنها به ذكر يك يا چند روايت بدون تحليل اکتفا شده است و ۲۵ درصد از آنها نيز پيرامون آيات مورد نظر تحليل ارائه داده اند. و در اين ميان كتاب هاى تفسيرى نظير «روح البيان»، «روح المعانى»، «تفسير ابن عربى»، «تفسير مظهرى»، «تفسير المنار» به ترتيب بيشتريين مطالب را در خصوص مهدويت ارائه داده اند. (ورمزيار، ۱۳۹۴: ۳۱) محمد احمد اسماعيل مقدم در كتاب «المهدى» در رد شبهه دونالدسن كه قرآن اشارتى به مهدويت نكرده است مى نويسد: در ذيل آيه «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۴۱) ابن جرير طبرى، قرطبي، ابن كثير و شوکانی، خزلان کافران در دنيا را مربوط به زمان قيام امام مهدى عليه السلام مى دانند. (مقدم، ۱۴۲۵: ۱۲۸).

علامه البانى كه رجالى بزرگ و بزرگ ترين متخصص قواعد التحديث در بين اهل سنت در سده اخير است در خصوص اعتقادى بود مهدويت و رد ديده گاه مستشرقين، دلائلى راجع به حتميت و قطعيت متواتر بودن روايات حضرت مهدى ارائه داده و بعد مى نويسد:

عقیده به ظهور امام مهدى عليه السلام عقیده واقعی بوده و با تواتر حدیثی ثابت شده است و وجوب ایمان به ظهور امام مهدى عليه السلام كه از جمله خبرهاى غيبی است جزء صفات متقين مى باشد و انكار آن جزء از افراد جاهل و مكابركو صورت نمى گيرد.^۱ (البانى، ۱۴۳۱: ج ۹، ۲۷۸)

از جمله مخالفين اعتقادى بودن مهدويت صاحب كتاب «البيانات عن المهدى» ابى الاعلى مودودى است كه ايشان ادعا مى كند اصلاً در اسلام منصب دينى به نام مهدويت نداريم و اصلاً عقیده به مهدويت يك عقیده اسلامى نيست و هيچ کدام از كتاب هاى اعتقادى اهل سنت نيز به موضوع اعتقادى بودن مهدويت اشاره اى نكرده اند.^۲ (مودودى، ۱۴۲۲: ۸۰) در اين راستا ابو زهره رئيس دانشگاه الازهر نيز همين مسير را طى کرده و در كتاب «الامام الصادق» اعتقادى بودن مهدويت در نزد اهل سنت را انكار کرده و مى گويد: عالمان اهل سنت پيرامون روايات مهدى سخن گفته و آنها را غير واقعى تلقى نموده اند بر اين اساس نمى توان مهدويت را جز

۱. ان عقيدة خروج المهدى عقيدة ثابتة متواترة عنه عليه السلام يجب الايمان بها؛ لأنها من امور الغيب و الايمان بها من صفات المتقين (الم، ذلك الكتاب لاريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب) و ان انكارها لا يصدر الا من جاهل أو مكابر.
 ۲. لا يمكن بتأويل مستبعد أن في الإسلام منصباً دينياً يعرف بالمهدوية يجب على كل مسلم أن يؤمن به، ويترتب على عدم الإيمان به طائفة من النتائج الاعتقادية والاجتماعية في الدنيا والآخرة، وقال مما يناسب ذكره بهذا الصدد أنه ليس من عقائد الإسلام عقيدة عن المهدى، ولم يذكرها كتاب من كتب أهل السنة للعقائد.

باورهای اهل سنت دانست. ^۱ (ابوزهره، ۱۹۹۳: ۲۳۸)

در پاسخ به شبهات فوق می‌توان به سخنان عبدالمحسن عباد تمسک جست که ایشان می‌گوید: جواب این شبهات همان احادیث صحیحی است که از رسول گرامی اسلام ﷺ در شأن امام مهدی رسیده که در آنها به وجود و ظهور فردی به عنوان امام مسلمین تأکید شده که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در زمان او نزول می‌کند و ایشان هم نام پیامبر گرامی اسلام ﷺ و پدر او همانم پیامبر و از اهل بیت او می‌باشد. و نام او مهدی است که بر مسلمین واجب است سخنان غیبی پیامبر را در خصوص مهدی تصدیق کرده و بدان باور و ایمان داشته باشند. ^۲ (عباد، بی‌تا: ش ۴۵، ۳۱۲) امام بیهقی در کتاب «الاعتقاد للبيهقي» بابی تحت عنوان «باب الايمان بما اخبر عنه رسول الله ﷺ باز کرده و در آن به موارد مختلفی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ بدان خبر داده آورده است که از جمله آنها بحث اشراط الساعة است که اولین مورد اشراط الساعة نیز بحث ظهور امام مهدی می‌باشد که ایمان به آنها را بر مسلمانان واجب می‌داند. (بيهقي، ۱۴۰۱: ۱۹۵)

باز از جمله کسانی که انکار مهدویت می‌کند ابن بدران صاحب کتاب «العقود الياقوتيه» است ایشان در جواب پرسشی که از مهدویت و از اعتقادی بودن آن شده؟ می‌نویسد اولاً هیچ یک از علمای ما چه در گذشته و چه در حال و چه از حنابله و غیر حنابله هیچ کدام ادعای اعتقادی بودن مهدویت را مطرح ننموده‌اند پس با دلیل نقلی نمی‌توان اعتقادی بودن مهدویت را توجیه نمود. ولی این نکته قطعی است که مهدویت ابزاری شده در دست دشمنان اسلام که از آن سوء استفاده می‌کنند. (ابن بدران، ۱۴۲۷: ۶۳) همو در جای دیگر می‌نویسد: ظهور مهدی جزء باورها و اعتقادات اهل سنت نیست؛ زیرا همه کتاب‌های اهل سنت از متقدمین گرفته تا متوسطین و متأخرین هیچ کدام در کتاب‌های شان ظهور مهدی را اعتقادی مطرح نکرده‌اند. ^۳ (همان: ۶۸)

در پاسخ به ابن بدران گفته می‌شود، اعتقادی بودن مهدویت با دو روش کلی و جزئی و یا

۱. ولقد تكلم علماء السنه في اسناد الاخبار التي روت ذكر المهدي و فنذوا اسنادها، ولذالك نقول انها ليست عقيدة متقررة عند السنيين.

۲. بجا ب عن هذا بأنه يستنبط من الأحاديث الصحيحة في شأن المهدي حصول الأخبار من الرسول ﷺ بوجود إمام للمسلمين عند نزول عيسى بن مريم عليه الصلاة والسلام من السماء يواطئ اسمه اسم الرسول ﷺ واسم أبيه اسم أبيه ومن أهل بيته يقال له المهدي والواجب على كل مسلم أن يصدق الرسول ﷺ فيما أخبر به من أخبار عن أمور مغيبه مطلقاً ومن ذلك ما كان في المستقبل كإخباره عن المهدي وعن الدجال وغير ذلك.

۳. راجعنا كثيرا من كتب عقائد اهل السنه و الجماعه من المتقدمين، المتوسطين و المتأخرين فلم نجد احدا منهم ذكر انه يجب الاعتقاد بخروج المهدي.

مستقیم و غیر مستقیم قابل توجیه است روش اول که همان روش مستقیم و جزئی است خود مهدویت و اعتقادی بودن آن مورد توجه قرار گرفته و در این خصوص از طرف موافقین توجیحات مختلف همراه با دلایل گوناگون ارائه شده و کتاب‌ها و تک‌نگاره‌های مختلفی جهت اثبات قضیه به رشته تحریر در آمده است. روش دوم که روش کلی و غیرمستقیم است همه موضوعات اعتقادی به طور کلی در دستور کار قرار دارد که موضوع مهدویت نیز به عنوان یک موضوع اعتقادی از جمله آنهاست. علمای اهل سنت در کتاب‌های مختلف اعتقادی به این بحث پرداخته و با دلایل و مستندات فراوانی به توجیه آن مبادرت نموده‌اند. مثلاً ابن قدامه در کتاب «لمعة الاعتقاد» می‌نویسد: همه روایات و اخباری که از رسول گرامی اسلام ﷺ صادر شده واجب است بدان ایمان داشته باشیم حال تفاوت ندارد مصادیق و متعلق آنها حاضر باشند یا غایب، و برای عقل ما قابل درک باشد یا خیر، به حقیقت آن رسیده باشیم یا خیر، زیرا به طور کلی می‌دانیم که فرمایشات رسول مکرم اسلام ﷺ صادق و حق می‌باشد نظیر روایات مربوط به اسراء، معراج، اشراف الساعة و... (ابن قدامه، ۱۴۲۰: ۲۸)

باز از جمله مخالفین اعتقادی بودن مهدویت عبدالکریم خطیب صاحب کتاب «المهدی المنتظر و من ينتظرونه» است ایشان به طور کلی اندیشه مهدویت را زیر سوال برده و در این خصوص کتاب مستقلاً را تدوین نموده که در این کتاب علاوه بر نفی اصل مهدویت و بر عدم اعتقادی بودن آن نیز استدلال کرده است: روایات و احادیث مروی در شأن رجعت حضرت عیسی علیه السلام و خروج دجال و ظهور مهدی علیه السلام چه صحیح تلقی شوند چه غیر صحیح، بار اعتقادی بر آنها حمل نمی‌شود. زیرا موارد اعتقادی اسلام در چند مورد نظیر ایمان به خدا، ملائکه، رسولان، کتاب‌های آسمانی، قیامت، حساب، جزا، بهشت و جهنم خلاصه می‌شود و ظهور امام مهدی در میان موارد فوق جایی ندارد. (خطیب، ۱۹۸۰: ۳۷) همو در کتاب «المسیح فی القرآن و التوراه و الانجیل» باز در این راستا ادعا را تکرار کرده و می‌گوید: نزول عیسی علیه السلام و ظهور مهدی علیه السلام از جمله باورهای اعتقادی اسلام نیست و اهل سنت از این باور مبراء هستند. (خطیب، ۱۳۸۵: ۵۳۹)

تویجری در پاسخ می‌گوید: اولاً؛ ایمان به همه اخبار رسول گرامی اسلام ﷺ بر هر مسلمانی واجب است و همیشه بر ایمان عقیده بار می‌شود و عقیده و ایمان مسلمان نیز کامل نمی‌شود مگر با تصدیق به اخبار پیامبر ﷺ و کسی که ایمان به پیامبر و تصدیق اخبار او نداشته باشد

۱. يجب الإيمان بكل ما أخبر به النبي ﷺ و صح به النقل عنه فيما شاهدناه، أو غاب عنا، نعلم أنه حق، وصدق، وسواء في ذلك ما عقلناه وجهلناه، ولم نطلع على حقيقة معناه، مثل حديث الإسراء والمعراج... ومن ذلك أشراف الساعة.

در عقیده فاسد است چنانکه حدیث ابی هریره به این امر دلالت دارد که حفظ جان و مال منوط به ایمان به پیامبر ﷺ و اخبار او است. ثانیاً؛ اهل سنت و جماعت ایمان به این نکته دارند که؛ آن چه پیامبر در خصوص مهدی ﷺ فرموده و روایات حضرت را در کتاب‌های صحیح، سنن و مسانید ذکر کرده‌اند و مضمون آن را در کتاب‌های اعتقادی آورده‌اند. (تویجری، ۱۴۰۵: ۱۶) در این مورد البانی در کتاب موسوعه در باب ۵۱ که اختصاص به عقاید اهل سنت دارد آورده است که ایمان به مجموع اشراف الساعه از جمله ظهور امام مهدی و نزول حضرت عیسی را جزء باورهای اهل سنت بوده و احادیث صحیح بر آن دلالت دارند.^۱ (البانی، ۱۴۳۱: ج ۱، ۳۴۲)

بعضاً در این خصوص این شبهه را مطرح می‌نمایند؛ که قضیه مهدویت در اسلام یک قضیه نظری است که بر این اساس نیاز به تصدیق و عمل نیست بلکه لازم است تنها مورد شناخت و معرفت قرار گیرد یعنی آثار شناختی به همراه دارد نه آثار عملی، بر این اساس وقتی که نظری بود نه عملی پس تصدیق و تکذیب آن ضرری به دین ما نمی‌زند.^۲ (مقدم، ۱۴۲۵: ۱۶۳)

اسماعیل مقدم در کتاب «المهدی» در راستا پاسخ به شبهه فوق نکاتی را مطرح می‌کند: اولاً؛ مهدویت از امور نظری دین است که وحی بدان خبر داده و از اصل دین به حساب می‌آید و تصدیق و ایمان آن واجب است.

ثانیاً؛ ایمان به قضیه مهدی از الزامات ایمان به رسالت رسول گرامی اسلام ﷺ است. ثالثاً؛ ایمان به باورداشت مهدویت ایمان به روز قیامت است زیرا مهدویت یکی از اماره‌های قیامت بوده و رسول گرامی اسلام ﷺ امارات ساعه را از ارکان دین بر شمرده است. رابعاً؛ تصدیق به ظهور مهدی داخل در ایمان به قدر الهی است. خامساً؛ ایمان به اشراف الساعه از الزامات ایمان به غیبت است و از جمله ایمان به غیب خبرهایی است که رسول گرامی اسلام ﷺ در خصوص امام مهدی ﷺ فرموده است. (همان: ۱۶۴)

پس در آخر بعد از طرح نکات پنج‌گانه نتیجه گرفته می‌شود که این شاخصه‌ها، شاخصه‌های امور اعتقادی بوده و یک فرد مسلمان نسبت به آنها باید تصدیق، ایمان و اعتقاد داشته باشد.

۱. الإیمان بمجموع أشراف الساعة، كخروج المهدي، ونزول عيسى عليه السلام، وخروج الدجال، ودابة الأرض من موضعها، وغيرها مما صحت به الأحاديث.

۲. التصديق بخروج المهدي من القضايا النظرية في الدين لا يترتب عليها عمل، وما يفيدني في دینی اذا صدقت به؟ وماذا يضربني ان كذبت به؟

ابن محمود در کتاب «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» در جای و جای این کتاب به نفی اعتقادی بودن مهدویت می‌پردازد مثلاً می‌نویسد:

بر فرض قبول احادیث صحیح در مورد مهدویت و نیز متواتر بودن آنها ولی نمی‌توان آنها را به عنوان عقیده و باور بر اهل سنت تحمیل کرد و هیچ یک از علمای اهل سنت مهدویت را در کتاب‌های شان به عنوان موضوع اعتقادی نیاورده‌اند نظیر ابن تیمیه، طحاوی، ابن قدامه و اشعری در «ابانه» که هیچ کدام از اینها به مهدویت به عنوان یک اعتقاد توجه نکرده‌اند پس مهدویت به عنوان یک باور در میان اهل سنت شناخته شده نیست.^۱ (ابن محمود، ۱۴۳۶: ۲۲۸)

سفارینی در کتاب «لوامع الانوار» می‌نویسد:

ایمان به ظهور مهدی واجب است و این اعتقاد نزد علمای اسلامی تثبیت شده و در کتاب‌های اعتقادی ضبط شده است علاوه بر اهل سنت در میان شیعیان نیز به عنوان یک باور و اعتقاد پذیرفته شده می‌باشد.^۲ (سفارینی، ۱۴۰۲: ج ۲، ۸۴)

متقی هندی نیز در کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» به اعتقادی بودن این اندیشه اذعان داشته و احادیث صحیح را مبنای توجیهی این اعتقاد می‌داند.^۳ (متقی هندی، ۱۳۹۹: ۱۶۸)

عبدالمحسن عباد در پاسخ به شبهه فوق می‌نویسد: اولاً اهل سنت و جماعت نظرشان بر این است که همه روایات رسیده از رسول گرامی اسلام ﷺ را باید تصدیق کرد که از جمله آنها روایاتی است که مربوط به ظهور امام مهدی ﷺ می‌باشد. و معنای تصدیق به روایات پیامبر در راستا تصدیق به رسالت پیامبر است. و ابن تیمیه در این مورد می‌گوید: شهادت به رسالت یعنی اطاعت از فرامین پیامبر و تصدیق نسبت به اخبار و دوری از منهیات او ثانیاً؛ گفتار ابن محمود در این که اعتقاد به ظهور مهدی در کتاب‌های اعتقادی اهل سنت نیامده است باید گفت این گفتار درست نیست زیرا این موضوع در کتاب سفارینی و بریهاری آمده و در آن جا به اعتقادی بودن مهدویت تأکید شده است. و اگر در برخی از کتاب‌ها به این موضوع اشاره نشده است به این معنا نیست که اعتقادی بودن مهدویت را قبول ندارند بلکه صاحبان کتاب نمی‌خواهند به

۱. وأنه على فرض صحة هذه الأحاديث أو بعضها أو تواترها بالمعنى حسب ما يدعون فإنها لا تعلق لها بالعقيدة الدينية ولم يدخلها علماء السنة في عقائدهم". ثم مثَّل بشيخ الإسلام ابن تيمية والطحاوي وشارح عقيدته وابن قدامة والأشعري في الإبانة ثم قال: "فعدم إدخالها في عقائدهم مما يدل على أنهم لم يعتبروها من عقائد الإسلام والمسلمين."
 ۲. فالإيمانُ بِخُزُوجِ الْمَهْدِيِّ وَاجِبٌ كَمَا هُوَ مُقَرَّرٌ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَمُدَوَّنٌ فِي عَقَائِدِ أَهْلِ الشُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ وَكَذَا عِنْدَ أَهْلِ الشَّيْعَةِ.
 ۳. الذي يتعين اعتقاده ما دلَّت عليه الأحاديث الصحيحة من وجود المهدي المنتظر.

تک تک معتقدات به صورت صریح بپردازند و در واقع با بیان کلی که هر آن چه از رسول گرامی اسلام ﷺ می‌رسد باید تصدیق و اطاعت شود، اکتفا می‌نمایند. (عباد، بی‌تا: ش ۴۵، ۳۶۹)

پس اعتقادی بودن اندیشه مهدویت نظر غالب و فراگیر اهل سنت است اساس این باورداشت و اعتقادورزی به روایات رسول گرامی اسلام ﷺ و جایگاه مهم مهدویت در میان آموزه‌های اسلامی باز می‌گردد زیرا اندیشه مهدویت به خاطر هم سطح بودن با آموزه‌های مهم اسلامی و هم ردیف بودن با اشراف الساعه، و نیز با وجود توجهات ویژه رسول گرامی اسلام و صحابه و تابعین ایشان نسبت به مهدویت، همگی بیانگر جایگاه مهم مهدویت به عنوان یک آموزه اعتقادی و ایمانی می‌باشد. بر این اساس علمای اسلامی علاوه بر تحفظ بر حفظ این جایگاه و تحفظ بر ضرورت ایمان به مهدویت، با دلایل و مستندات قوی روایی و تاریخی به نفی استبعادورزی مخالفین مهدویت و اعتقادی بودن آن پرداخته و با ادعای کفرآمیز بودن نگرش منفی آنها به تضعیف و طرد آنها مبادرت نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

در آخرو پایان بحث به این نتیجه می‌رسیم که اندیشه مهدویت در میان اهل سنت علاوه بر مقبولیت عمومی و فراگیر دارای جایگاه مهم و نقش تأثیرگذاری است. مقبولیت فراگیر مهدویت به واسطه احادیث و روایات فراوانی است که در منابع مختلف حدیثی اهل سنت نظیر صحاح، سنن، مصنفات، جوامع و اطراف با نقل‌های مختلفی از ناحیه صحابه، تابعین و امامان آمده است که در واقع با این منابع مختلف و با این تعدد طرق اولاً؛ متواتر بودن احادیث مهدویت به اثبات می‌رسد. ثانیاً؛ حتمیت صدور آنها از پیامبر گرامی اسلام ﷺ توجیه می‌شود. اما جایگاه مهم و نقش تأثیرگذار مهدویت در میان اهل سنت به واسطه اعتقادی و ایمانی بودن مهدویت حاصل می‌شود که این مهم یعنی اعتقادی و ایمانی بودن مهدویت با دلایلی چند توجیه پذیر می‌شود. نظیر: ۱. ظهور امام مهدی از آموزه‌های اصلی اسلام تلقی می‌شود؛ ۲. بر اساس روایات پیامبر گرامی اسلام ﷺ منکر ظهور امام مهدی ﷺ کافر دانسته می‌شود؛ ۳. ظهور امام مهدی ﷺ یکی از اجزاء اشراف الساعه می‌باشد؛ ۴. ظهور امام مهدی ﷺ از امورات غیبی بوده که پیامبر ﷺ بدان خبر داده است. پس بر اساس شاخصه‌های چهارگانه فوق که آموزه مهدویت مزین به آنها می‌باشد، اعتقادی بودن مهدویت قطعی و مسجل شده و ایمان به آن بر همه مسلمانان اهل سنت واجب و ضروری می‌باشد.

منابع

- ابن ابي حاتم، عبدالرحمن، *التفسير القرآن العظيم*، عربستان، مكتبة نزار مصطفى، ج ٣، ١٩١٩ق
- ابن بدران، عبدالقادر، *العقود الباقوتيه*، كويت، دارايلاف الدولية، ١٤٢٧ق
- ابن حجر عسقلاني، احمد، *فتح الباري بشرح صحيح البخاري*، بيروت، دارالمعرفة و النشر، ج ٢، ١٣٧٩ق
- ابن حجر عسقلاني، احمد، *لسان الميزان*، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤٠٦ق
- ابن قدامة، موفق الدين عبدالله، *لمعة الاعتقاد*، عربستان، وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، ج ٢، ١٤٢٠ق
- ابن محمود، عبدالله، *مجموعه رسائل*، (لامهدي ينتظر بعد الرسول خير البشر)، دوحه، ج ٣، ١٤٣٦ق
- ابو زهره، محمد، *الامام الصادق عليه السلام*، قاهره دارالفكر العربي، ١٩٩٣م
- ابوناجي، عبدالسلام محمود، *الموجز في المصطلح الحديث*، بيروت، دارالمدار الاسلامي، ٢٠٠٢م
- أبري، محمد، *مناقب الشافعي*، بي جا، دارالاثريه، ١٤٣٠ق
- آل جعفر، مساعد مسلم، *الموجز في علوم الحديث*، بغداد، دارالرساله للطباعة، ١٩٧٩م
- الباني، ناصرالدين، *سلسلة الاحاديث الصحيحه*، رياض، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، ١٤١٥ق
- _____، *موسوعه، صنعاء*، مركز النعمان للبحوث و الدراسات الاسلاميه، ١٤٣١ق
- برزنجي، محمد، *الاشاعه لاشراط الساعه*، قاهره، مكتبة المشهد الحسيني، بي تا
- بيهقي، احمد، *الاعتقاد للبيهقي*، بيروت، دارالافاق الجديده، ١٤٠١ق
- تويجري، حمودبن عبدالله، *الاحتجاج*، رياض، الرئاسة العامه لادارات البحوث العلميه، ١٤٠٣ق
- _____، *إقامة البرهان في الرد على من أنكر خروج المهدي والدجال ونزول المسيح في آخر الزمان*، رياض، مكتبة المعارف، ١٤٠٥ق
- حوى، سعيد، *الاساس في السنه و فقهها*، بي جا، دارالسلام للطباعة و النشر، ج ٢، ١٤١٢ق
- خزيم، محمد، *المصطلح الوجيز في علم الحديث*، بيروت، دارالصمعي، ١٤٢٩ق
- خطيب، عبدالكريم، *المسيح في القرآن و التوراه و الانجيل*، مصر، دارالكتب الحديثه، ١٣٨٥ق
- _____، *المهدي المنتظر و من ينتظرونه*، بي جا، دارالفكر العربي، ١٩٨٠م
- دونالدسن، دوايت، *عقيدته الشيعه*، مشهد، مكتبة الخانجي و مطبعتها، ١٩٣٣م

- دهلوى، عبدالحق، *فى اصول الحديث*، بيروت، دار ابن كثير، ١٤٢٦ق
- سخاوى، محمد، *فتح المغيث*، مصر، مكتبة السنة، ١٤٢٤ق
- سفارينى، شمس الدين، *لوامع الانوار*، دمشق، مؤسسة الخافقين و مكتبتها، ١٤٠٢ق
- سيوطى، جلال الدين، *المزهر فى علوم اللغة و انواعها*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٨م
- _____، *عرف الوردى فى اخبار المهدي*، تهران، هستى نما، ١٣٨٧ش
- _____، *الدرالمشور*، بيروت، دارالفكر، بى تا
- شوكانى، محمد، *التوضيح فى تواتر ما جاء فى المهدي فى المنتظر والدجال والمسيح*، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٢٢ق
- صالح، صبحى، *علوم الحديث و مصطلحه*، بيروت، دارالعلم للملايين، ج ٢، ١٩٩٦م
- صبان، محمد بن على، *اسعاف الراغبين*، يمن، دارالميراث النبوية، بى تا
- صديق حسن قنوجى، محمد، *الاذاعه*، دمشق، دار ابن كثير، ١٤٢٠ق
- صرصرى، سليمان، *شرح مختصر الروضه*، محقق: عبدالله تركى، بى جا، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٧ق
- طائى المكى، محمد، *النخبه النبهانيه شرح المنظومه البيهقييه*، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، بى تا
- طبرانى، سليمان، *تفسير كبير*، اردن، دارالكتاب الثقافى، ١٤٢١ق
- طبرى، محمد، *جامع البيان*، بى جا، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق
- طحان، محمود، *ترجمه تيسير مصطلح الحديث (درآمدى بر علوم حديث)*، تربت، جام خواجه عبدالله انصارى، ١٣٨٩ش
- عباد، عبدالمحسن، *الرد على من كذب بالاحاديث الصحيحه فى المهدي*، مدينه، مجلة الجامعة الاسلاميه، بى تا
- عباد، عبدالمحسن، *شرح سنن ابى داود*، مدينه، موقع الشبكة الاسلاميه، بى تا
- غفيلى، عبدالله، *أشراط الساعة*، رياض، وزارة الشؤون الإسلاميه والأوقاف والدعوة والإرشاد، ١٤٢٢ق
- قرطبى، محمد، *تذكرة*، رياض، مكتبة دار المنهاج للنشر و التوزيع، ١٤٢٥ق
- قندوزى، سليمان، *ينابيع الموده*، بى جا، دارالسوة للطباعة و النشر، ١٤١٦ق
- كتانى، محمد، *نظم المتناثر فى الحديث المتواتر*، مغرب، مولويه، ١٣٢٨ق
- گنجى شافعى، محمد، *البيان فى اخبار صاحب الزمان*، بيروت، دارالمحجة البيضاء، ١٤٢١ق

- گولدزیهر، اغناتس، العقیده و الشریعہ فی الاسلام، بیروت، منشورات جمل، ۲۰۰۹م
- ماوردی، ابوالحسن، الحاوی الکبیر، بیروت، دارالفکر، بی تا
- متقی ہندی، علی، البرہان فی علامات مہدی آخر زمان، قم، نشر رضوان، ۱۳۹۹ق
- متقی ہندی، علی، کنز العمال، لبنان، مؤسسہ الرسالہ، چ ۵، ۱۴۰۱ق
- مروزی، نعیم، الفتن، قاہرہ، مکتبۃ التوحید، ۱۴۱۲ق
- مقدس شافعی، یوسف، عقد الدرر، اردن، مکتبہ المنار، ۱۴۱۰ق
- مقدم، محمد احمد اسماعیل، المہدی، اسکندریہ، الدار العالمیہ للنشر والتوزیع، چ ۴، ۱۴۲۵ق
- مودودی، ابوالاعلیٰ، البیان عن المہدی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق
- نابلسی، عقیف، علم الحدیث علم الرجال، بیروت، دار ایوان، ۱۴۲۹ق
- ورمزیار، مصطفیٰ، مہدویت از نگاہ مفسران اہل سنت، قم، مؤسسہ آیندہ روشن، ۱۳۹۴ش
- الہی قمی، محمد باقر، الروض النسیح، قم، مؤسسہ تحقیقات و نشر معارف اہل بیت، ۱۳۷۸ش
- ہیتمی، ابن حجر، صواعق المحرقہ، لبنان، مؤسسہ الرسالہ، ۱۴۱۷ق

پژوہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی